

مرکز بررسی ها و مطالعات راهبردی - نکته روز شماره ۲۹ - بیت و پنجم آذر ۹۳

رابطه نرخ سود بانکی و نرخ تورم

احمد اخوی

توضیح اجمالی:

تورم مهم‌ترین عارضه پولی اقتصاد کلان است. هدف‌گذاری ثبات اقتصاد کلان ابزاری مهم‌تر و مقدم‌تر از کنترل تورم ندارد. تورم عارضه‌ای است که به تمامی متغیرهای اقتصادی بجز وجه واقعی یک وجه جاری اضافه کرده است. مصرف جاری، مصرف واقعی، درآمد ملی جاری، درآمد ملی واقعی، نرخ بهره جاری، نرخ بهره واقعی و امثال آن.

زمانی که تورم با نرخ‌های کوچک یک رقمی عارض می‌شود برای محاسبه اندازه واقعی تغییرات، آن را از اندازه جاری تغییرات کسر می‌کنند. مثلاً اگر نرخ تورم ۷ درصد و نرخ سود بانکی ۱۷ درصد باشد، می‌گویند نرخ سود بانکی واقعی - یا نرخ بهره واقعی - ۱۰ درصد است. این، البته روشی سرانگشتی است و برای ارقام بزرگ خطای قابل ملاحظه‌ای دارد. به عنوان مثال اگر پرسیده شود که نرخ سود واقعی در شرایط تورم ۴۰ درصد و بهره ۲۰ درصد چقدر است؟ جواب آن ۲۰- درصد نیست. زیرا اگر اصل وام را ۱۰۰ در نظر بگیرید در پایان سال به ۱۲۰ ریال (اصل و فرع) تبدیل می‌شود و ارزش واقعی ۱۲۰ ریال از تقسیم آن بر $\frac{1}{4}$ حدود ۸۵ ریال است که سود منفی ۱۵ درصد را نشان می‌دهد نه ۲۰ درصد. مهم‌تر این است که برخلاف قانون سرانگشتی که در تورم ۱۲۰ درصد و نرخ بهره ۲۰ درصد به نتیجه منفی صد در صد سود سالیانه می‌رسد و ظاهراً اصل سرمایه یا سپرده یا وام نیز مستهلک می‌شود، در واقعیت چنین نیست، بلکه در این حالت نرخ سود واقعی نه منفی ۱۰۰ درصد، بلکه منفی ۴۵ درصد است.

نکات کلیدی:

۱. برای اهالی کسب و کار بیش از مقایسه نرخ سود بانکی و نرخ تورم - که در جای خود مهم است - نرخ بازدهی کسب و کار و گردش مالی اهمیت دارد. به طوری که در تورم ۴۰ درصد اگر نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری یا تجارت ۳۰ درصد هم باشد، ولی در سال دو بار گردش مالی بوجود آید نرخ بازدهی واقعی سالیانه بیش از ۱۴ درصد خواهد بود.

۲. در مقایسه نرخ سود سپرده با نرخ تورم نیز مهم‌ترین متغیر تاثیرگذار هزینه فرصت سپرده‌گذاری پس از کسر نرخ ریسک مترتب بر آن فرصت‌هاست. و لذا مشاهده می‌شود که در شرایط رکود تورمی منابع بانکی از محل سپرده‌های مردمی چنانکه تصور می‌رود سقوط نمی‌کند. بالعکس این سقوط وقتی اتفاق می‌افتد که رکود اقتصادی با کاهش قیمت‌ها همراه است.

۳. به این ترتیب، نرخ تورم تا جایی که مقایسه با نرخ سود بانکی مورد بحث می‌باشد، متغیر تعیین‌کننده‌ای برای تغییرات سرمایه‌گذاری نیست، بلکه نوسانات و نا اطمینانی‌های ناشی از نرخ تورم و در نتیجه، بازار است که عامل اصلی مؤثر بر سرمایه‌گذاری می‌باشد.

۴. سیاست‌گذار اقتصادی می‌تواند از طریق کاهش و کنترل منابع تورم‌زا نظیر رشد نقدینگی و ایجاد اعتماد نسبت به پول ملی و آینده کسب و کار، به ثبات نرخ تورمی موافق با رشد مناسب بخش واقعی اقتصاد، دست یابد بدون اینکه لطمه‌ای جدی به گردش پولی و مالی وارد آورد.

مرکز بررسی‌ها و مطالعات راهبردی